پایداری
ایران
• دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵
• ۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ • ۲۴ آگوست ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۱۰۵ • ۴ صفحه
Monday • 24 August 2026
Iran Daily Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

پزشکیان استراتژیک عمل می‌کند

مرور مهم‌ترین تحولات دولت و دغدغه‌های رئیس جمهوری در گفت‌وگو با محمد جعفر قائم پناه، معاون اجرایی رئیس جمهور

گذار از مدیریت بحران به ساختن آینده

پیشنهادهای غلامرضا ظریفیان برای مسیر پیش روی دولت و کشور

ایران

ویژه هفته‌دولت

«ایران» عملکرد دو ساله دولت مسعود پزشکیان را بررسی می کند

مرد وفاق و دفاع

President.ir

• گزارش •

مرتضی گل‌پور
معاون سردبیر

در پایان دوره ریاست جمهوری مسعود پزشکیان، اگر از کارهای کرده و نکرده دولتش بپرسند، می‌تواند از این شعر کمک بگیرد: «دستانِ بسته‌ام آزاد نبود تا هر چشم‌انداز را به جان دربرکشم.» در کوران آتش جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، زنان و مردان نشسته پای اخبار تلویزیون، هرگاه که خبر و تصویری از پزشکیان منتشر می‌شد، اغلب این جمله را بر زبان می‌آوردند: «پزشکیان هم واقعاً در دوره سختی رئیس جمهور شد!» این سخن که از ادراک سیاسی ایرانیان نشأت می‌گرفت، دلالت‌های بنیادین دارد و به حقایقی راستین در سیاست اشاره می‌کرد. این حقایق و دلالت‌ها از این قرار هستند: ریاست جمهوری پزشکیان، هم در آغاز و هم در ادامه، همواره در جبر ناگزیر مواجهه با دو گونه محذوریت و محدودیت گذشت؛ محذوریت‌های سیاست داخلی، و محدودیت‌های ناشی از جنگ و فشار تمام‌عیار اقتصادی و سیاسی دشمن. مدیریت محذوریت‌های سیاست داخلی ساده نبود. پزشکیان زمانی به ریاست جمهوری رسید که تصلب حوزه سیاسی، چرخش به سمت وفاق را به سختی پذیرا می‌شد. اگر حمایت‌های بی‌دریغ رهبر شهید نبود، کار پزشکیان سخت‌تر از سخت می‌بود.

محدودیت‌های خارجی البته فراتر از لفظ محدودیت است. اداره کشور در یک جنگ همزمان اقتصادی، سیاسی و نظامی با آمریکا و متحدان غربی و منطقه‌ای‌اش، از آن اتفاقاتی است که فقط با گذشت زمان و فرارسیدن داوری تاریخ می‌توان دریافتی همه‌جانبه از آن داشت، دریافتی مبتنی بر این حقیقت که در جنگ با بزرگ‌ترین قدرت تاریخ بشر، دولت چهاردهم چه فشارهایی را تحمل کرد و مانع از تحمیل چه فشارهایی بر ملت شد. قرار داشتن یک دولت در میان این دو وضعیت؛ یعنی محذوریت داخلی از درون و محدودیت‌های جبار خارجی از بیرون، شبیه وضعیت «یک دست جام باده و یک دست زلف یار» «مولوی» نیست تا یک جریان سیاسی بخواهد تمنای کسب قدرت در «چنین میانه میدانی» را در سر بپروراند. این «میانه میدان» که دولت پزشکیان اجبارا در آن قرار گرفته‌است، نه جای سیاسی‌کاری‌های سرخوشانه است نه جای کژتابی‌های قدرت‌جویانه، نه جای غفلت‌های ایران‌خراب‌کن است نه جای چشم برگرفتن از مکر دشمن، نه جای وقت‌گذاشتن برای رقابت‌های داخلی است و نه بی‌تفاوت بودن به الزامات به‌شدت متغیر سیاست خارجی. اما میدانی که محذوریت داخلی و محدودیت خارجی پیش پای دولت پزشکیان قرار دادند، او را ناگزیر کرد همزمان به هر دو میدان بپردازد؛ نه چشم از دشمن بردارد، نه از مسئولیت ایجاد وحدت و رفع نقارها در داخل غفلت ورزد. اساساً ناترازی‌های تاریخ‌مند اقتصاد و اجتماع ایران به دولت کمتر اجازه می‌دهد تا از ناحیه پشت جبهه کاملاً پشت‌گرم باشد. پس دولت هم به جبهه نبرد با دشمن بیرون پرداخت و هم نگاهی به پشت سر و جبهه خودی داشت تا در وسط جنگ نظامی و اقتصادی، انواع ناترازی‌های اقتصاد و اجتماع و سیاست، رشته پیوندهای جبهه خودی را نگسلد.

پس، پس از آن تحریم‌ها و اسنپ‌بک و جنگ ۱۲روزه و ۴۰روزه و محاصره دریایی، شرایط دولت پزشکیان از این قرار است: همه بحران‌های سابق و لاحق، همزمان از راه رسیدند. عجیب‌تر آنکه امروز همه این بحران‌ها و چالش‌ها، همزمان و با هم فعال هستند. تحریم و جنگ و ناترازی اقتصادی و نقارهای سیاست داخلی و ناترازی اجتماعی و فشارهای سیاسی خارجی، هیچ کدام از این «مسأله‌ها» نه‌تنها حل نشده‌اند، بلکه برخی به یک «وضعیت» تبدیل شده‌اند. از این قرار، وضعیت پزشکیان و دولت، بلاتشبیه، همان است که میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی نوشت: «انصاف بده! یک تن تنها و چند شهر خراب و در میان زد و خورد روس و طعن و ضرب ایران، چه کنیم؟» در این جمله قائم‌مقام، به جای «روس» می‌توان «آمریکا و رژیم صهیونیستی و تحریم‌های حداکثری و محاصره دریایی» را قرار داد. به جای «طعن و ضرب ایران» هم می‌توان «کژتابی‌های برخی جریان‌های سیاسی خودی و ناترازی‌های اقتصادی و اجتماعی باقی مانده از گذشته» را قرار داد.

ایستادگی ایران و نقش ملی پزشکیان

پس از تحریم‌های حداکثری آمریکا، اعمال غیرقانونی اسنپ‌بک از سوی غرب و دو جنگ تمام‌عیار، وضعیت ایران مانند این شعر هوشنگ ابتهاج است: «به سربلندت ای سرو که در این شب زمین‌کن؛ نفس سپیده دانند که چه راست ایستادی.» ایستادگی پیروزمندانه ایران در این «شب زمین‌کن» عوامل و دلایلی هم داشت. پایداری مردم و رشادت نیروهای مسلح تاریخ‌ساز بود، اما تدارکات و برنامه‌ریزی‌های دولت همچون نخ تسبیحی بود که جبهه و پشت جبهه را به هم متصل نگه داشت. نخ مدیریت دولت به صورت همزمان هر دو حوزه را تأمین و تقویت می‌کرد. این واقعیت که در ایران درگیر جنگ تمام‌عیار اقتصادی و نظامی، کمبود و قحطی بروز نکرد و دسترسی به خدمات پایه‌ای آموزشی، بهداشتی، درمانی، زیرساختی و خدماتی برای لحظه‌ای قطع نشد، از آن کارهایی است که فقط کشورهای درگیر چنین جنگ و فشار تحریم‌ها می‌توانند بزرگی کار دولت پزشکیان را درک کنند. به عنوان مثال، امروز در شرایط جنگ تمام‌عیار اقتصادی و نظامی آمریکا، تورم در ایران بیش از ۵۰ درصد است. اما وقتی با تورم ونزوئلا مقایسه شود که پس از محاصره دریایی آمریکا به ۵۳۰ هزار درصد رسید، می‌توان فهمید دولت پزشکیان در همین تورم نامطلوب داخلی، کاری بزرگ انجام داد. در عراق پیش از سقوط صدام یا در کوبا، تحریم‌های آمریکایی-غربی عملاً باعث فروپاشی نظام‌های درمان و بهداشت، آموزش و اقتصاد این کشورها شد. در عراق، یک سال پس از آغاز تحریم‌ها میزان عمل‌های جراحی در بیمارستان‌ها به یک‌سوم کاهش یافت و در کوبا، نظام بهداشتی و درمانی که در جهان پیشرو بود، پاشید. درست است که ایران پس از این فشارها، همچون سایر نمونه‌ها دچار یک دولت فرومانده نشد، اما این قصه در دولت پزشکیان، شکل دیگری دارد. پایداری و در مواردی توسعه خدمات دولت در ایران در میانه جنگ اقتصادی و نظامی، درحالی رقم خورد که دولت پزشکیان در سال اول فعالیت خود با ۱۵ تا ۲۰ هزار مگاوات ناترازی برق و ناترازی ۳۰۰ میلیون مترمکعبی گاز در فصل سرد سال مواجه بود. سربلند بیرون آمدن کشوری که علاوه بر جنگ نظامی و اقتصادی، با ناترازی برق و گاز و آب هم روبه‌رو بوده است، نمی‌تواند صرفاً یک اتفاق اداری و طبیعی باشد. با هدایت و مدیریت شخص پزشکیان، از ابتدای فعالیت دولت چهاردهم تا پایان خرداد امسال، حدود ۵ هزار مگاوات به ظرفیت تولید برق خورشیدی کشور افزوده شد و قرار است تا پیش از پاییز، ۵ هزار مگاوات دیگر نیز به این ظرفیت افزوده شود. این اتفاق که در سایه فشارهای همه‌جانبه اقتصادی و فناورانه غرب رخ داد، نه یک تحول، بلکه یک دستاورد راهبردی محسوب می‌شود و درعین حال نشان می‌دهد که در صورت رخ‌ندادن جنگ یا اعمال‌نشدن غیرقانونی اسنپ‌بک، دولت پزشکیان می‌توانست اقدامات بیشتری انجام دهد. اما برای دولتی که در میانه راه خود قرار دارد، دشمن چالش‌های دیگری هم تدارک دیده است؛ چالش‌هایی مانند این واقعیت که پزشکیان گفت، در جنگ «روزانه نزدیک به ۲۳۰ میلیون مترمکعب گاز ما را زدند.» چرایی آن تحریم‌ها و فشارحداکثری اقتصادی و سیاسی، و نیز چرایی تحمیل جنگ به ایران و حمله به زیرساخت‌های انرژی و فولادی، در بخش دیگری از همین اظهارنظر پزشکیان گفته شد: «آنها انتظار داشتند کشور به دلیل همین فشارهایی که وارد کرده‌اند سقوط کند... آنها همواره این فشارها را وارد کرده‌اند و اقتصاد ما را روزبه‌روز در محاق قرار داده‌اند و با مشکل مواجه کرده‌اند. اکنون در دولت ما، این فشارها به حداکثر رسیده است و خودشان هم در تحلیل‌هایشان تعجب می‌کنند که چرا ما سقوط نکرده‌ایم.» در توضیح چرایی ایستادگی ایران در مواجهه با چنین فشاری، می‌توان به سخن محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور هم اشاره کرد: «ما از روز اول با جنگ مواجه بودیم و میهمان رسمی ما شهید شد. در این شرایط هنر دولت و سازمان برنامه و بودجه این بود که با اقدامات خود در کشور آرامش را برقرار کند. دولت برای شرایط جنگی برنامه داشت و آن برنامه را در آن ۱۲روز اجرایی کرد... در آن ۱۲روز شرایط به صورت لحظه‌ای رصد می‌شد که در کشور با کمبود مواجه نشویم.»

ملی‌اندیش نوشناخته شده

جلال‌الدین محمد بلخی گفته است: «دلا در بوته آتش درآ مردانه بنشین خوش؛ که از تأثیر این آتش چنان آیینه شد آهن.» چه کسی فکر می‌کرد جراح قلب که سابقه وزارت بهداشت و نمایندگی مردم تبریز در مجلس را داشت و با نهج‌البلاغه مأنوس بود، چنان رئیس‌جمهوری شود که در میانه بحران‌های ملت‌افکن، یک مدیر اجرایی و سیاسی ملی تمام‌عیار را به نمایش بگذارد؟ پزشکیان نسبت به عرصه سیاست «نوآمده» نبود، اما با قرارگرفتن در جایگاه ریاست جمهوری و با مدیریت حوزه اجرایی در بحران‌های دو سال گذشته، به تعبیر مولوی، «از تأثیر این آتش چنان آیینه شد آهن.» اساساً پزشکیان پس از یک بحران به عنوان رئیس جمهوری انتخاب شد؛ شهادت سیدابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم. اما بحران‌های اجتماعی و سیاسی ایران فراتر از خلأ چند هفته‌ای قدرت اجرایی بود. وقایع پاییز ۱۴۰۱ و نیز مشارکت پایین در انتخابات اسفند ۱۴۰۲ مجلس، نشانه‌های ناترازی فراگیر اجتماعی و سیاسی بودند. گویی میان نیروهای سیاسی و اجتماعی، شکاف‌ها رو به فزونی و درهای آشتی و آشنایی نیم‌لا و چه‌بسا رو به بسته‌شدن بود. درعین حال، جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، به تعبیر «ولی نصر» عملاً در فروردین ۱۴۰۳ با حمله نظامی رژیم اسرائیل به سفارت ایران در دمشق آغاز شد. شهادت اسماعیل هنیه چند ساعت پس از حضور در مراسم تحلیف پزشکیان، تحمیل جنگ به ایران را قطعی کرد. پس، رئیس جمهوری جدید باید چهاردهمین دولت جمهوری اسلامی را درست وسط بحران‌هایی تشکیل می‌داد که از نارضایتی اجتماعی و نقارهای سیاسی و ناترازی‌های اقتصادی، تا بحران فشار دشمنان خارجی و تنگ‌ترشدن حلقه محاصره سیاسی، اقتصادی و نظامی گسترده بود. در این چارچوب، «وفاق ملی» پزشکیان یک شعار انتخاباتی نبود، پادزهری برای این صحنه‌آرایی داخلی و خارجی بود. برگ برنده پزشکیان خود شعار نبود. عامل موفقیت‌اش در کاستن از نقارهای اجتماع و سیاست ایران در چنین زمین ناهمسازی، «ایمان» و «عمل» خود پزشکیان و دولتش به وفاق بود. در حوزه اجتماعی، پزشکیان زمینه این جمع‌بندی در نظام تصمیم‌گیری را ایجاد کرد که باید مصوبه عفاف و حجاب اجرا نشود. در کنار دیده‌شدن و تأثیر گذاردن مردم در نظام تصمیم‌گیری که مشخصا از این فقره خاص نمود یافت، در حوزه گفتمانی و رفتارهای سیاسی هم پزشکیان و دولتش عوامل اختلاف‌ساز را کمرنگ و عوامل پیوند را برجسته کردند. او دوقطبی مرسوم در صحنه سیاست و اجتماع ایران مبنی بر «یا مقاومت، یا مذاکره» را برهم زد و نشان داد اعتقاد و مقاومت و انقلابی بودن با اصلاح‌طلبی و پاسخ مثبت به مطالبات بحق عموم مردم، نه تنها منافاتی ندارد، بلکه از قضا قابل جمع است. همچنان که در حوزه سیاست خارجی، پزشکیان نشان داد که مرد مذاکره و دیپلماسی، می‌تواند مرد مقاومت هم باشد. پزشکیان در مجلس گفت که دولتش برای اداره کشور نیازمند مذاکره برای رفع تحریم‌هاست. اما وقتی در سفر به نیویورک دریافت که دشمن در مذاکره تسلیم می‌طلبد، بدون دادن هیچ امتیازی به ایران بازگشت و راه مقاومت را با قوت ادامه داد. در ادامه، همزمان که درهای دیپلماسی را بازنگه داشت، اما مدیریت کشور را بر مدار اداره جامعه و اقتصاد و سیاست در یک شرایط جنگی ترسیم کرد. اینکه ایران در جنگ نظامی و سیاسی، نه تنها شکست نخورد، بلکه ایستاد و دشمن را به عقب‌نشینی واداشت، بخش زیادی از آن، ناشی از همین طراحی‌ها بود. تأکید بر دیپلماسی، زمینه شکل‌گیری حجیت و حقانیت داخلی و بین‌المللی برای ایران شد و این به علاوه مدیریت اقتصادی و سیاست‌های اجتماعی و سیاسی دولت، به نوبه خود زمینه ایجاد اجماع و همبستگی و دفاع ملی در جنگ و تحریم را فراهم آورد.

> حمایت و صیانت از رئیس جمهوری و شخصیتی سیاسی که در این مسیر حرکت می‌کند و می‌خواهد برای فردا، ایرانی با کاهش یا اتمام ناترازی‌های سیاسی و اجتماعی به یادگار بگذارد، امری ملی است. این امر ملی، به زبان مولوی، این طور خواهد بود: «غرض‌ها تیره دارد دوستی را؛ غرض‌ها را از دل راند، امری که به نظر می‌رسد مهم‌ترین پروژه شخص پزشکیان در مقام رئیس‌جمهوری است

• برش •

صیانت از مردان ملی

اینکه آمریکا به بهانه‌های مختلف خواست تفاهمنامه پایان جنگ با ایران را برهم بزند، نشان می‌دهد بندهای این تفاهمنامه یک پیروزی دیپلماتیک برای ایران بود که پیروزی نظامی را تثبیت می‌کرد. این تفاهمنامه و دیگر اظهارات و مواضع پزشکیان، پیش، حین و پس از جنگ اخیر، تراز ملی این چهره سیاسی و اجرایی را عیان کرد. اما در نگاهی دیگر، این تفاهمنامه چند درجه پایین‌تر از ظرفیت و توان تفاهم‌سازی داخلی پزشکیان قرار می‌گیرد. پزشکیان، گویی که از تجربه دولت‌های گذشته درس گرفته باشد، پایه نیروهای سازنده ظرفیت‌های اجتماعی و سیاسی برای دولت خود را بستر شکاف‌های موجود در کشور تعریف نکرد. بلکه او و دولتش، قوام و دوام خود را در تلاش برای کاستن از این شکاف‌ها تعریف کرده‌اند. پزشکیان و دولتش روی شکاف‌های موجود دست نمی‌گذارند تا برای خود تشویق و تایید و هورا بخرند، بلکه شکاف‌ها را به مثابه «مساله ایران» پیش روی هر دو طیف می‌گشایند تا دو سوی قطبیت‌ها، به قول شاعر «با چشم خود ببینند خورشیدشان کجاست تا باورم کنند.» ببینید می‌شود که با رقیب انتخاباتی که شهردار تهران است، هماهنگی و همکاری تنگاتنگ داشت، یا ببینید که می‌توان که با دیگر رقیب انتخاباتی که رئیس مجلس است، آنچنان به اتحاد رسید که مسئولیت حیاتی برای کشور، یعنی پیشبرد مذاکرات آتش بس با آمریکا را به او محول کرد، و این غیر از «شنیدن» دیگر منتقدان و گفت‌وگو با آنان «با زبان و گفتمان» منتقدان است. پزشکیان جست‌وجو گر خورشید تفاهم برای ایران است، نه آرزومند ابرهای تیره و تاریک نقار ملت‌سوز. جز در مواردی که ناچار به پاسخگویی به برخی کژتابی‌های داخلی شد، سخن یا عملی از پزشکیان نیست که بتوان برداشت کرد او خواسته است برای جریان یا نهادی، خط و نشان بکشد یا در عرصه عمومی پاسخ آن را بدهد. اختلافات را در جلسات حل می‌کند و نتیجه آن جلسات را در تریبون‌ها مطرح می‌کند. این امر منجر به بازی دوگانه رئیس جمهوری نشده است. بارها نظرات خود را به صورت عمومی مطرح کرد، اما بعداً گفت که برخلاف نظر اعلام شده‌اش، برپایه تصمیمات و روندهای قانونی کشور حرکت خواهد کرد. نه تنها به چهره‌ها و شخصیت‌های سیاسی حرمت می‌گذارد، بلکه حرمت دولت‌های گذشته را نیز نگه می‌دارد. می‌داند که برجسته‌کردن نقش دولت‌ها یا اشخاص در مشکلات به‌ارث رسیده به دولت، می‌تواند باعث ناخشنودی طیف‌های سیاسی و اجتماعی حامی آن شخص یا دولت شود. هرچند اینها باعث نمی‌شود تا در مقام دفاع از دولت، مشکلات باقی مانده از گذشته را، البته به صورت کلی، بازگو نکند. برپایه ظاهرشدن رئیس جمهوری با چنین مختصاتی، آن هم در زمین سیاست ایران که همیشه از قطبی‌سازی‌ها تغذیه کرده است و دمیدن در تنور قطبش‌ها راز و ابزار قدکشیدن در سیاست و جامعه بوده است، برخی معتقدند که ایران شاید در دهه‌ها پیش، به رئیس جمهوری و دولتی با چنین ظرفیت‌های تفاهم‌ساز و اختلاف‌شکن نیاز داشت تا فرآیندهای سیاسی و اجتماعی داخل، به وضعیت موجود منتهی نشود. اما حال که دیروز ما از دست رفته و آنچه دیروز در سیاست و اجتماع کرده‌ایم، امروز سیاست و اجتماع ما را ساخته است، دست‌کم می‌توان امروز به گونه‌ای در سیاست و اجتماع رفتار کرد و حرف زد که فردای ایران روشن‌تر و با کاهندگی اختلاف‌ها و شکاف‌ها باشد. پزشکیان و دولتش فرصتی هستند برای خاموش کردن تنور سوزان قطبیت‌های مزمن ایران تا زین پس هر سیاستمردی، نان از عمل خویش خورد، نه نان هیجان و عواطف سیاسی ملت. حمایت و صیانت از رئیس جمهوری و شخصیتی سیاسی که در این مسیر حرکت می‌کند و می‌خواهد برای فردا، ایرانی با کاهش یا اتمام ناترازی‌های سیاسی و اجتماعی به یادگار بگذارد، امری ملی است. این امر ملی، به زبان مولوی، این طور خواهد بود: «غرض‌ها تیره دارد دوستی را؛ غرض‌ها را از دل نرانیم؟» «برای ایران» باید غرض‌ها را از دل راند، امری که به نظر می‌رسد مهم‌ترین پروژه شخص پزشکیان در مقام رئیس جمهوری است.